

Backgrounds to the Formation of the Resistance Literature Movement before Islam: A Case Study of Kārnāmag ī Ardaxšīr ī Pābagān

Fatemeh Shekardast¹

Type of article: Original research

Received: 17 July 2025, Accepted: 26 July 2025

Doi: 10.22034/rrl.2025.2066173.1053

Abstract

Although the term resistance literature is a relatively new concept, whose theorization dates to the contemporary period or slightly earlier, resistance and perseverance in the face of adversity—and against anything that threatens the material or spiritual life of human beings—have always manifested throughout history. This claim can be supported by examining texts from various eras and nations, including ancient Iran, which are filled with elements that demonstrate this innate (and at times instinctive) human disposition.

This study aims to identify the grounds for the emergence of resistance literature in ancient Iranian texts through a case study of Kārnāmag ī Ardaxšīr ī Pābagān. Using a descriptive–analytical method grounded in contextual and component-based approaches to literary criticism and content analysis, the research investigates this early prose narrative. Kārnāmag ī Ardaxšīr ī Pābagān is a narrative-like account describing the transition of power from the Arsacids (Parthians) to the Sasanians. The findings reveal that the text contains eleven prominent components of resistance. These include confronting falsehood and injustice, reliance on religion and metaphysical beliefs, opposition to oppression, depicting the enemy's insults, condemning traitors to the homeland, returning to innate human nature, resisting to the point of self-sacrifice, loyalty and honoring the loyal, military secrecy, war and combat, and national identity formation.

Among these components, religious foundations and religious–national identity play the most significant roles in shaping resistance literature. The present study demonstrates that resistance literature is rooted in the religious–national beliefs and identity of people in the ancient world, and that Kārnāmag ī Ardaxšīr ī Pābagān, as one of the oldest surviving texts reflecting these elements, is of considerable importance from this perspective.

Keywords: Kārnāmag ī Ardaxšīr ī Pābagān, Genealogy, Resistance literature, Ancient texts, Pre-Islamic literature

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.
Email: f.shekardast@pnu.ac.ir

زمینه‌های شکل‌گیری جریان ادبیات پایداری پیش از اسلام، موردپژوهی: کارنامه اردشیر بابکان

فاطمه شکردست^۱

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶، پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴

DOI: 10.22034/rrl.2025.2066173.1053

چکیده

هرچند «ادبیات پایداری» اصطلاح ادبی نوظهوری است که نظریه‌پردازی درباره آن به دوره معاصر یا اندکی پیش‌تر برمی‌گردد، ولی مقاومت و پایداری در برابر ناملایمات و هرآنچه که حیات مادی و معنوی انسان‌ها را به خطر می‌اندازد همواره و در برهه‌های مختلف تاریخ در بشر بروز و ظهور داشته است و این ادعا را می‌توان با نظر به متون به‌جامانده از اعصار و ملت‌ها اثبات کرد؛ از جمله، متون متعلق به ایران باستان که مملو از زمینه‌هایی است که به اثبات این وجه روحی و فطری (و گاه غریزی) بشر کمک می‌کند. هدف از این پژوهش شناسایی زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات پایداری در متون ایران باستان از مسیر مطالعه موردی کارنامه اردشیر بابکان است که با روشی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر رویکرد زمینه‌شناسی و مؤلفه‌گرایی در نقد ادبی و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. کارنامه اردشیر بابکان گزارشی روایت‌گونه از تغییر سلسله پادشاهی و حکومت اشکانیان به ساسانیان است که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد حاوی ۱۱ زمینه و مؤلفه بارز پایداری است. مقابله با دروغ و ستم، تکیه بر دین و باورهای ماورایی، ستم‌ستیزی، توصیف اهانت دشمن، سرزنش وطن‌فروشان، بازگشت به فطرت، مقاومت تا پای جان، وفاداری و تکریم وفاداران، رازداری نظامی، جنگ و مبارزه و هویت‌یابی ملی از آن جمله‌اند. میان این مؤلفه‌ها، زمینه مذهبی و هویت دینی-ملی بیشترین نقش را در شکل‌دهی ادبیات پایداری ایفا کرده‌اند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ادبیات پایداری ریشه در باورها و هویت دینی-ملی انسان عصر باستان دارد و کارنامه اردشیر بابکان به‌مثابه یکی از کهن‌ترین متون ادبیات پایداری از این منظر قابل اعتناست.

کلیدواژه‌ها: کارنامه اردشیر بابکان، جریان‌شناسی ادبیات پایداری، ادبیات پایداری، متون دوره باستان، ادبیات پیش از اسلام

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مساله

ممکن است «ادبیات پایداری» اصطلاح ادبی نوظهوری باشد که نظریه‌پردازی درباره آن به دوره معاصر یا اندکی پیش‌تر برگردد ولی مقاومت و پایداری در برابر ناملایمات و هرآنچه که حیات مادی و معنوی انسان‌ها را به خطر می‌اندازد علاوه بر واکنش غریزی (در برخی ساحت‌ها) به عنوان یک رفتار فطری که بر پایه عقلانیت و دیگر صفات انسانی به وجود می‌آید همواره در بشر نمود داشته و در برهه‌های مختلف تاریخی به ظهور رسیده است. این موضوع را می‌توان در متون به‌جا مانده از ملت‌ها ردیابی کرد. از جمله، متون متعلق به ایران باستان، که مملو از مؤلفه‌هایی است که به این وجه روحی و فطری (و گاه غریزی) بشر اشاره دارد. این مؤلفه‌ها دربردارنده علت‌ها، انگیزه‌ها، و فلسفه تلاش انسان اعصار دور، برای مقاومت‌ها و جنگ‌ها و پایداری‌ها تا رسیدن به هدف مورد نظرش است. در بین متون ایران باستان کارنامه اردشیر بابکان که گزارشی روایت‌گونه از تغییر سلسله پادشاهی و حکومت از اشکانیان به ساسانیان است حاوی رخدادها و جنگ‌های داخلی و خارجی است که می‌تواند نماینده این وجه از رفتار بشری (پایداری) باشد.

اردشیر، بنیان‌گذار سلسله ساسانی بود. وی پس از شکست واپسین پادشاه اشکانی، اردوان چهارم (که در متون گاه اردوان پنجم آمده)، در سال ۲۲۴ میلادی در نبردی در دشت هرمزدگان، حکومت اشکانی را برانداخت و پادشاهی ساسانی را بنیان گذاشت (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱). کارنامه اردشیر بابکان، داستانی حماسی است پیرامون اردشیر بابکان و کیفیت رسیدن وی به پادشاهی ایران. این متن در حدود ۶۰۰ میلادی و در پایان عصر ساسانی به زبان پهلوی نوشته شده است.

۲.۱. روش پژوهش

این مطالعه توصیفی - تحلیلی مبتنی بر رویکرد زمینه‌شناسی و مؤلفه‌گرایی در نقد ادبی و با روش تحلیل محتوا انجام شده است و مفاهیم نظری تحقیق شامل بررسی ادبیات و اصطلاحات، پیشینه پژوهش، و معرفی اثر به عنوان

جامعه آماری پژوهش است. سپس در قسمت «یافته‌های پژوهش» به استخراج مؤلفه‌های ادبیات پایداری در کارنامه اردشیر بابکان پرداخته شده است.

۳.۱. پیشینه پژوهش

درباره زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات پایداری، پژوهشی یافت نشد اما درباره ادبیات پایداری و مؤلفه‌هایش تحقیقات وسیع (ولی ناکافی) صورت گرفته است مانند: کتاب «ادب مقاومت» از غالی شگری (۱۳۶۱) ترجمه محمدحسین روحانی؛ مقاله «گستره ادبیات پایداری» از محمدرضا صرفی (۱۳۹۳)؛ مقاله «پیشنهادی برای رج‌بندی گروه - مؤلفه‌های ادبیات پایداری» از غلامرضا کافی (۱۴۰۰)؛ مقاله «ادبیات پایداری در ایران بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها» از رضا چهرقانی (۱۳۹۶)؛ کتاب «ادبیات پایداری، تعاریف، گونه‌ها، گستره‌ها» از محمدرضا سنگری (۱۴۰۳).

درباره مؤلفه‌های ادبیات پایداری در برخی متون فارسی و متون پیش از اسلام نیز پژوهش‌هایی انجام شده مانند: مقاله «ادبیات پایداری در شعر دوره قاجار» از محمد طاهری خسروشاهی (۱۳۹۰)؛ مقاله «مؤلفه‌های پایداری در شاهنامه فردوسی» از معصومه طاهری و غلامرضا کافی (۱۳۹۵)؛ مقاله «مؤلفه‌های پایداری در اشعار فارسی علامه اقبال لاهوری» از احمد امیری خراسانی و عبدالحمید احسانی (۱۳۹۳)؛ مقاله «مؤلفه‌های پایداری و بیداری در قیام کاوه آهنگر» از آسیه ذبیح‌نیا عمران و حسین یگانه مهر (۱۳۹۲)؛ مقاله «نقد تطبیقی مؤلفه‌های پایداری در شعر سلمان هراتی و محمود درویش» از خلیل بیگزاده و الهام محمدی (۱۳۹۳)؛ مقاله نگاهی تطبیقی به مؤلفه‌های پایداری در شعر علیرضا قزوه و نزار قبانی از خلیل بیگزاده و افشین رحیمی هرسینی (۱۳۹۳) و....

درباره کارنامه اردشیر بابکان علاوه بر تصحیحات و شروح، مقالات زیر قابل مشاهده است:

مقاله «اردشیر بابکان و خدایان و آناهیتا» از شهرام جلیلیان (۱۳۹۷)؛ مقاله «تحلیل ساختار طرح داستان اردشیر بابکان» از زینب زارع و حسین آقاحسینی (۱۳۹۴)؛ مقاله «بررسی عناصر داستانی در متن پهلوی کارنامه

بوده‌اند ادبیات پایداری پررونق‌تر است. به همین دلیل کشورهای مثل آمریکای لاتین یا کشورهای آسیایی بیشتر از کشورهای اروپایی و آمریکای مرکزی و کانادا ادبیات پایداری را تجربه کرده‌اند.» (شیرشاهی، ۱۳۹۰: ۵۲)

«اگرچه اصطلاح ادبیات مقاومت جدید و مربوط به سده معاصر است با نگاهی دقیق به تاریخ ادبیات معاصر جهان به راحتی می‌توان نمونه‌های فراوانی از این ادبیات را بین آثار پیشینیان به دست آورد.» (ترابی، ۱۳۸۴: ۹)

در واقع این انعکاس ادبی در دوره معاصر، به حوزه خودآگاه بشر منتقل و نام‌گذاری شده: «ادبیات مقاومت» یا «ادبیات پایداری»؛ یعنی باوجود اینکه ادبیات پایداری اصطلاحی جدید است؛ ولی موضوع و مضمونی کهن با گستره جهانی دارد که می‌توان رد پای آن را در قدیمی‌ترین آثار مکتوب به‌جامانده در فرهنگ و ملل مختلف جست‌وجو کرد و مصادیق بارز آن را از دورترین دوره‌های تاریخی یعنی آثار مکتوب دوره باستان، تا متنوع‌ترین جغرافیای جهانی، مانند آمریکای لاتین و ویتنام، ایرلند، بوسنی و هرزگوین تا آسیای میانه، افغانستان و ایران و عراق و فلسطین و دیگر کشورها جست‌وجو کرد.

اما اصطلاح ادبیات مقاومت (که در زبان فارسی با معادل آن یعنی ادبیات پایداری جایگزین شد) به سده اخیر برمی‌گردد. برای نخستین بار سال ۱۹۶۶ میلادی نویسنده‌ای فلسطینی با نام غسان کنفانی^۱ (۱۹۳۶-۱۹۷۲) آثار شاعران و نویسندگان فلسطینی با موضوع مقاومت را در کتابی با عنوان «ادب المقاومة»^۲ جمع‌آوری کرد و این اصطلاح از اینجا رواج پیدا کرد سپس غالی شُکری (۱۹۳۵-۱۹۹۵) در کتابی با عنوان «ادب المقاومة» (۱۹۷۰) تلاش کرد به تعریف و تبیین این ادبیات و نقد انواع ادبی مقاومت در ملل عربی و جهان بپردازد.

اصطلاح ادبیات پایداری تا کنون تعاریف زیادی شده است که مانند دیگر موضوعات متعلق به علوم انسانی امری عادی است؛ از میان این تعاریف به نمونه‌های زیر که نسبت به بقیه جامعیت دارد بسنده می‌شود:

«این نوع ادبیات به شرح و بیان مبارزه، پایداری، ازجان‌گذشتگی و درد و رنج مردم مبارز در جهت به‌دست‌آوردن آزادی، استقلال و رسیدن به برابری و

اردشیر بابکان» از محمدتقی راشدمحصل و سیده فاطمه موسوی (۱۳۸۹)؛ مقاله «مقایسه کارنامه اردشیر بابکان و افسانه‌های کتاب منتسب به بارسوما بر اساس گزارش از محمدرضا موسی خورنی» از محمدرضا امینی (۱۳۹۰).
اما درباره مؤلفه‌های ادبیات پایداری در «کارنامه اردشیر بابکان» تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

۴.۱. مفاهیم نظری پژوهش

الف: تعریف ادبیات پایداری: نبردها و پایداری ملت‌ها در مواجهه با هرآنچه که حیات مادی و معنوی آنها را تهدید می‌کند و انعکاس احساس و اندیشه برگرفته یا برآمده از این موقعیت‌ها، مضمون و مفهومی در رگ‌های میراث مکتوب بشری جاری کرد که امروز به نام ادبیات پایداری شناخته می‌شود این ادبیات روایت‌گر مقاومت و مبارزه انسان با ستم و کجروی‌های فرمانروایان داخلی است یا از پایداری و مقابله با دشمنان بیگانه حکایت می‌کند. این مضمون برگرفته از روحیه و فطرت انسان‌هاست بنا بر این می‌توان انتظار داشت نشانه‌ها و مؤلفه‌های آن در قدیمی‌ترین آثار به جامانده از بشر دیده شود.

«انسان در زندگی پیوسته با تضاد میان مرگ و زندگی، آزادی و بردگی و به‌طور کلی راستی و دروغ روبه‌رو بوده است. پایداری در راه نیکی و راستی، و مبارزه و نبرد با کژی و دروغ تنها راه نیکبختی و رستگاری وی به شمار می‌رفته است. در حقیقت، سرنوشت انسان، با نبرد با نیروهای اهریمنی گره خورده است و برای رسیدن به اوج و کمال باید همواره با اهریمنانی که با جلوه‌های گوناگون بر سر راه انسان و انسانیت قرار می‌گیرند در مبارزه باشد.» (اطمینانی، ۱۳۸۷: ۳۱)

هرچند ادبیات پایداری اصطلاحی جدید است؛ ولی از جهت موضوع مانند دیگر هنرها و دیگر انواع ادبی ریشه در زندگی بشر و فطرت انسانی او دارد؛ بنابراین کمتر دوره‌ای را می‌توان یافت که از مؤلفه‌های این موضوع بی‌بهره باشد، اما بسته به شرایط سیاسی و اجتماعی، در دوره‌های مختلف، شکل‌های گوناگون، یا قدرت و ضعف داشته است.

«در طول تاریخ، در کشورهایی که با حکومت‌های خودکامه یا تجاوز همسایگان و منافع طلبان روبه‌رو

از بین بردن جور و ستم و کوتاه کردن دست متجاوزان و اشغالگران از سرزمین نیاکانی خود و دفاع از فرهنگ و سنت‌های قومی و حمایت از دین و باورداشت‌های مردم یک سرزمین می‌پردازد» (ترابی، ۱۳۸۹: ۷).

ب: زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات پایداری و رابطه آن با مؤلفه‌ها: سبب‌ها، انگیزه‌ها، زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ادبیات پایداری موجد مؤلفه‌هایی است که اصلی‌ترین منصف ظهور ادبیات پایداری محسوب می‌شود. درواقع اگر زمینه‌ها را ورودی مفاهیم پایداری بدانیم، مؤلفه‌ها، خروجی آن در روستا و ژرف ساخت متون و آثار ادبی خواهند بود و اگر مؤلفه‌های ادبیات پایداری در دوره‌های مختلف تاریخی متفاوت است دقیقاً به این علت است که زمینه‌های شکل‌گیری پایداری متفاوت بوده است.

ادبیات پایداری صفت موضوع و محتواست و محتوا تحت‌تأثیر مقوله‌هایی چون فرهنگ، تاریخ، محیط و مذهب... قرار دارد بنابر این زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات پایداری تحت تأثیر دوره‌های تاریخی، فرهنگی مذهبی ممکن است تغییراتی داشته باشد و این امری طبیعی است. نمی‌توان انتظار داشت عواملی که مثلاً در ۸ سال دفاع مقدس باعث به وجود آمدن ادبیات پایداری می‌شود عیناً همان باشد که در دوره مشروطه یا در دوره باستان دیده می‌شود. بنابر این دامنه وسیعی از مؤلفه‌ها می‌تواند وجود داشته باشد که باتوجه به ویژگی‌های دوره، متغیر است. البته برخی از عوامل نیز از نظر تاریخی یا جغرافیایی شمولیت دارند مانند «ظلم‌ستیزی، آرمان‌گرایی، دعوت به ایستادگی و اعتراض، میهن‌دوستی، القای امید و آینده روشن، ستایش آزادی، تکریم انقلابیون و... از مؤلفه‌های مشترک ادبیات پایداری در جهان است.» (شیرشاهی، ۱۳۹۰: ۵۲) در پژوهش‌ها به موارد متعددی از مؤلفه‌ها با مضامین مشترک اشاره شده است:

غلامرضا کافی (۱۳۸۸: ۳۸۹-۴۰۴) این مؤلفه‌ها را این‌گونه برشمرد است: «۱- ستم‌ستیزی ۲- میهن‌دوستی ۳- تحریض به مقاومت ۴- صلح‌جویی و مهرورزی ۵- تقدیس آزادی و آزادی ۶- تکریم از انقلابیون تاریخ ۷- تطبیق تاریخ (تلمیح و تلویح به گذشته و همانندسازی و یادکرد گذشته)» وی در پژوهش کامل‌تری (۱۴۰۰:

۱۴۴ تا ۱۶۶) به طبقه‌بندی‌های مفصل‌تری می‌پردازد که مؤلفه‌های ادبیات پایداری را بر اساس ۹ بنیان اصلی (۹ گروه) و ۶۰ زیرعنوان گردآوری کرده است. صرف‌نظر از برخی نقدها می‌توان آن را کامل‌ترین گروه‌بندی مؤلفه‌ها تا به امروز قلمداد کرد. تقسیم‌بندی وی بدین قرار است:

۱. مؤلفه‌هایی بر بنیان تبیین هویت: مانند میهن‌دوستی و ملیت، دین و باورهای مذهبی، پاسداشت زبان مادری و ستیز با زبان بیگانه، استقلال‌طلبی، اصالت‌گرایی و بازگشت به خویشتن.

۲. مؤلفه‌هایی بر بنیان ستم‌ستیزی و طرد بیگانه مانند: ستم‌ستیزی، حمایت از مظلوم، نکوهش حاکمان جور و مقابله با استبداد، نکوهش بیگانگان، سرزنش بیگانه‌ستیان، رد لطف بیگانه، تکریم مظاهر و شخصیت‌های دینی یا آرمانی، سرزنش استحاله فرهنگی، نکوهش خودباختگی.

۳. مؤلفه‌هایی بر بنیان سلحشوری و روحیه جنگاوری مانند: تحریض به قیام و مبارزه، مقابله با دشمن تا پای جان، ستایش مبارزان و مجاهدان مردمی، ستایش شهادت و مرگ مجاهدانه، حفظ روحیه سلحشوری، ستایش دستاوردها پیروزی‌ها و افتخارات.

۴. مؤلفه‌هایی بر بنیان شکیبایی و آمادگی دفاعی مانند: صبر و پایداری در راه هدف، تأکید بر توانمندسازی و حفظ هوشیاری، امیدبخشی و مبارزه با حس ناامیدی، سرزنش مرعوبی و ترس از دشمن، صلح‌جویی و پرهیز از جنگ‌طلبی، نکوهش کاهلی و تن‌آسایی، آمادگی مقابله به مثل.

۵. مؤلفه‌هایی بر بنیان نیک‌خواهی مانند: مردم‌داری و توده‌گرایی، دیگرخواهی و نیک‌خواهی، عدالت‌طلبی و دادگری، آزاداندیشی و آزادی‌خواهی، ایثار و از خودگذشتگی، صیانت از بیت‌المال و مبارزه با فساد.

۶. مؤلفه‌هایی بر بنیان بصیرت و بینش مانند: بصیرت و دشمن‌شناسی، غفلت‌ستیزی و زمان‌آگاهی، تبیین خودی و غیرخودی، دغدغه حفظ ارزش‌ها، اعتراض بر وضع موجود و راهنمایی به وضع مطلوب، هوشیاری در برابر حيله دشمن، مبارزه با جهل و نادانی، سرزنش خرافه و تحمیق.

۷. مؤلفه‌هایی بر بنیان آگاهی بخشی مانند: تحذیر و تذکر و اعتراض، درس و عبرت از گذشته، تطبیق تاریخ،

و کشورگشایی‌های اردشیر است (همان: ۲۱۹). این اثر نثری ساده است که احتمالاً در اواخر روزگار ساسانی در پارس (زادگاه هخامنشیان و ساسانیان) نوشته شده است.

از میان ۴ نسخه و ۱۲ تصحیح و ترجمه از این کتاب، این پژوهش براساس ترجمه و تصحیح کارنامه اردشیر بابکان به کوشش محمد جواد مشکور ۱۳۶۹ انجام شده که مشتمل بر متن پهلوی، تلفظ نگاری، ترجمه فارسی، مقایسه با شاهنامه، حواشی و تعلیقات و لغتنامه و فهرست اعلام است.

محتوای کتاب مشتمل است بر شرح کوتاهی از وضع ایران پس از مرگ اسکندر و حکومت ملوک الطوائفی اشکانیان. در این کتاب آمده است که اردوان چهارم آخرین پادشاه اشکانی، بر اسپهان و پارس و نواحی نزدیک به آن فرمان می‌راند و بابک، نیای مادری اردشیر، در آن هنگام والی پارس بود.

اردوان از خود فرزندی نداشت و ساسان که از نسل دارای‌دارایان (داریوش سوم) بود، شُبَّان بابک بود. بابک نمی‌دانست که ساسان از نژاد دارایان است تا اینکه شبی در خواب دید خورشید از سر ساسان می‌تابد و همه جهان را روشنی می‌بخشد. شب دوم نیز در خواب دید که ساسان بر فیل آراسته سفیدی نشسته است و همه به او تعظیم می‌کنند و او را ستایش می‌کنند. شب سوم نیز باز در خواب دید که سه آتشکده بزرگ فرنبغ، گشنسب، و برزین‌مهر در خانه ساسان می‌درخشند و به همه جهان روشنی می‌بخشند. بابک تعبیر خواب خود را از خواب‌گزاران خواست و آنان به او گفتند که این مرد یا یکی از فرزندانش به پادشاهی جهان می‌رسد. بابک، ساسان را به نزد خود خواند و چون از نژاد او آگاه شد، وی را گرمی داشت و دختر خود را به او داد از این ازدواج، اردشیر چشم به جهان گشود و بابک او را به فرزندی پذیرفت و در تربیت او کوشید تا جوانی نام‌بردار شد. اردوان که از شایستگی اردشیر آگاه شده بود، از بابک خواست که اردشیر را به دربار وی بفرستد. بابک به‌ناچار اردشیر را به نزد شاه فرستاد. به دستور اردوان، اردشیر هر روز با شاهزادگان به نخجیر و چوگان می‌پرداخت و چون در این هنرها برتری خود را نشان می‌داد، محسود دیگران شد

الگوپذیری مثبت از غیر، مبارزه با تفکر جبرگرایی و تقدیرپذیری، پایه‌ریزی اندیشه انقلابی، ایمان به ماوراء ۸. مؤلفه‌هایی بر بنیان اتفاق و وحدت مانند: ۱- دعوت به اتحاد و همدلی، پیروی از رهبر واحد، مشورت و بهره‌گیری از خرد جمعی، الگوپذیری از پیشروان فکری، رد قبیله‌گرایی و شعوبی‌گری، تحمل مخالف و ارشاد معاند ۹. مؤلفه‌هایی بر بُنیان آیین فتوت مانند: ستایش مروت و مردانگی، نکوهش پیمان‌شکنی و تکریم وفاداری، نکوهش نفاق و فتنه‌انگیزی، خوش‌مرامی و دستگیری از ضعیف، رازداری و حفظ اسرار (نظامی و جز آن)، نکوهش دنیاطلبی و تجمل‌گرایی.»

«وجود متغیرهای متعدد در تعریف ادبیات پایداری سبب می‌شود در هر دوره‌ای، دسته‌ای از ویژگی‌ها تشخیص و برجستگی یابند. ادبیات پایدار در هر دوره‌ای ویژگی‌های خاص خود را دارد.» (جهانگرد، ۱۳۹۵: ۷۳)

منظور این نیست که تعریف ادبیات پایدار تغییر می‌کند، بلکه منظور این است مؤلفه‌های هر دوره با دوره‌های دیگر متفاوت است. افول و ظهور زمینه‌های متفاوت تاریخی و جغرافیایی و حوزه اثرگذاری ادبیات، عامل این تفاوت‌هاست.

۵. ۱. معرفی کارنامه اردشیر بابکان

کارنامه اردشیر بابکان^۳ که رساله نیمه‌حماسی روزگار ساسانی است کتابی است به زبان پهلوی راجع به سرگذشت داستانی اردشیر بابکان بنیان‌گذار پادشاهی ساسانی، شامل به فرمانروایی رسیدن وی، جنگ با اردوان پنجم واپسین پادشاه اشکانی، و نیز بخشی پیرامون جانشینش (فرزندش) شاپور و پسر وی هرمزد.

این کتاب تقریباً در حدود ۶۰۰ میلادی تدوین شده و دارای ۵۶۰۰ کلمه پهلوی می‌باشد و بنا بر برخی احتمالات ملخص کارنامه مفصل‌تری از اردشیر بابکان است که فعلاً در دسترس نیست. (ن.ک: مشکور، ۱۳۶۹: ۸-۹)

کارنامه به معنی جنگ‌نامه است زیرا کار در زبان‌های ایرانی علاوه بر معنی فعل و عمل و شغل به معنی جنگ آمده است و کلمه کارزار که در پهلوی کاریچار آمده به همان معنی است بنا بر این کارنامه به معنی شرح جنگ‌ها

۲. یافته‌های پژوهش: ادبیات پایداری در متن کارنامه اردشیر بابکان

همان‌طور که پیش‌تر و در مقدمه گذشت ادبیات پایداری هر دوره‌ای متناسب با زمینه‌های تاریخی و جغرافیایی و فرهنگی همان دوره است. از جمله این زمینه‌ها می‌توان مبنای اندیشگی و میزان رشد یافتگی و تکامل بشری، جنگ‌ها، انتقال قدرت و دیگر شرایط فکری و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی را مورد توجه قرار داد. در کارنامه اردشیر بابکان با روایتی از دوره‌های نخستین تاریخ مواجهیم و توقع ما نیز از زمینه‌ها ادبیات پایداری، متناسب با شرایط فکری و تاریخی و تکاملی همان دوره است. با لحاظ این موضوع، موارد زیر قابل مشاهده است:

۲.۱. مقابله دروغ و ستمگری و بیدادگری

در اندیشه ایرانیان باستان، جریان هستی براساس [رتّه/] اشه aša-/arta پایه‌گذاری شده است که در برابر آن دروغ - draog قرار می‌گیرد. رتا یا آرتّه یا رتّه یا قانون آرتّه به معنی نظم کیهانی است. اشه شکل اوستایی آرتّه است. اصولاً عقیده بر آنست که نمی‌توان برای آرتّه واژه‌ای امروزی به کار گرفت. آرتّه را درستی، عدل، نظم، حقانیت، فضیلت و کمال نیز ترجمه کرده‌اند. همیشه میان اشه و دروغ، جنگ و اختلاف بوده است و بر این باور بوده‌اند که انسان برای رسیدن به نیک‌بختی، باید همواره پیرو راستی بوده و با دروغ و بدی مبارزه کند. در کارنامه اردشیر بابکان در بخش یک اردشیر در مبارزه با پسر اردوان آنجا که پسر اردوان با زورگویی و دروغ می‌خواهد حق اردشیر را از او سلب کند اردشیر زیر بار نمی‌رود و استفاده از شیوه ستمگری و دروغ‌گویی را نکوهش می‌کند:

«اردشیر خشم گرفت و به پسر اردوان گفت که هنر و مردانگی را به ستمگری و بی‌شرمی و دروغ و بی‌دادگری به خویش نتوان بست...» (مشکور، ۱۳۶۹: ۱۷۹)

و البته همین سخن برای او گران تمام می‌شود و اردوان او را از سوارکاری منع کرده به آخر ستوران می‌فرستد (ن.ک: همان).

و سرانجام بر اثر حادثه‌ای اردوان بر او خشم گرفت و دستور داد که دیگر بر اسب ننشیند و پیوسته در آخور به سر برد. در این زمان، یکی از کنیزکان زیبای اردوان دل به اردشیر بست و اردشیر به کمک وی از دربار اردوان گریخت. اردوان آنان را تعقیب کرد. اما از آنجا که فره ایزدی همراه اردشیر شده بود، به او دست نیافت. آنگاه اردوان سپاهی را مأمور جنگ و دستگیری اردشیر کرد، اما اردشیر که مردم پارس و سواحل دریا و اصفهان و فرمانروایان محلی پشتیبان او بودند، بر لشکریان اردوان پیروز گردید و اردوان کشته شد. در دنباله داستان، شرح نبردهای اردشیر با دیگر شاهان محلی مانند شاه گردان مادی، کرم هفتواد، که سپاهیان او به راهزنی دریایی در نواحی جنوبی می‌پرداختند، و مهرگ، از فرمانروایان پارس، آمده است.

بخش دیگر داستان به ولادت شاپور، پسر اردشیر اختصاص دارد: پس از قتل اردوان، اردشیر دختر وی را به زنی خویش درآورد و از میان چهار برادر این زن، دو تن در اسارت و دو تن در تبعید در کابل به سر می‌بردند. برادرانی که در غربت بودند، از خواهر خواستند که با توطئه‌ای اردشیر را بکشد. این توطئه فاش شد و اردشیر فرمان به کشتن زنش داد. اما مأمور قتل دختر که آگاه شد وی از اردشیر باردار است، از کشتن او منصرف شد و او را در خانه خود بزرگ کرد و چون فرزند او متولد شد، او را شاپور نام نهاد. بعدها که اردشیر از فرمان خود پشیمان شده بود، آن مرد شاپور را به نزد وی آورد.

بخش بعدی داستان مربوط به تولد هرمزد، پسر شاپور است. پیشگویی هندی پیش‌بینی کرده بود که دوام پادشاهی در خاندان ارشیر از ازدواج پسری از خانواده وی با دختری از خانواده مهرگ، که به‌دست اردشیر کشته شده بود، حاصل می‌شود. اردشیر که از این پیشگویی ناخشنود بود، دستور داد تا همه خاندان مهرگ را نابود کنند. اما دختری از او را دهقانان پنهان نگاه داشتند و مرد بزرگ‌تری او را تربیت کرد. برحسب اتفاق، شاپور به این دختر برخورد و شیفته او شد و بی‌اطلاع و اجازه اردشیر، با او ازدواج کرد و هرمزد از او زاده شد که او را مخفیانه تربیت کردند. بعدها که شاپور از شایستگی و هنرمندی هرمزد در هفت‌سالگی آگاه شد، از گناه فرزند در گذشت. در کارنامه از شهرهایی که اردشیر ساخته یاد شده است.

۲.۲. تکیه بر دین و باورهای مذهبی و کمک‌های ماورایی

بدیهی است که مفاهیم دینی و ماورای طبیعی همواره در طول تاریخ بشر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و هیچ‌گاه نظام اندیشگانی بشر از اعتقاد به یک سلسله مفاهیم مقدس و فرامادی خالی نبوده است. اما این اعتقاد و معرفت از دوره‌ای تا دوره‌ای و از جامعه‌ای تا جامعه دیگر متفاوت است. در ایران باستان نیز مفاهیم دینی و ماورایی وجود داشته و در متون به جا مانده به وفور به چشم می‌خورد. هم به عنوان انگیزه و علل رفتارها حضور دارد هم به عنوان یاری‌رسان در زندگی و رخدادها. تاجایی که می‌تواند یکی از ارکان پایداری و از انگیزه‌ها و علل آن به حساب آید. در متن مورد نظر در گیر و دار جنگ‌ها حضور سرنوشت‌ساز این باورها وجود دارد مثلاً آنجا که اردشیر از دربار اردوان فرار می‌کند شبانگاه به نزدیک دهی می‌رسد و از ترس وارد ده نمی‌شود اما در یک اتفاق غیرطبیعی، دو زن را می‌بیند که او را با اسم و نسب صدا می‌زنند و به او وعده پیروزی می‌دهند!

«همچنان که می‌آمد دو زن نشسته دید و یکی از زنان بانک زد که مترس ای اردشیر کیانی پسر بابک که از تخمه ساسان و نواده شاه دارا هستی چه از هر بدی رسته‌ای و هیچ‌کس ترا نتواند گرفت و تو را خدایی (پادشاهی) ایرانشهر بسی سال باید کرد» (مشکور، ۱۳۶۹: ۱۸۲).

یا در جنگ اردشیر با اردوان اردشیر پیروز می‌شود چون فره ایزدی با اوست:

«از آنجایی که فره کیانی با اردشیر بود اردشیر پیروزی یافت.» (همان: ۱۸۷)

«چنین گویند که فره کیان که به دور او بود اکنون اندر پیش اردشیر ایستاده و اندک‌اندک همی‌رفت تا اردشیر از آن جای سخت گذر (گذرگاه سخت) از دست دشمنان بی‌گزند بیرون می‌آمد و به دهی که ماند خوانند فرا رسید» (همان: ۱۹۵).

البته این فره کیانی در هیئت بزه‌ای به دنبال اردشیر رؤیت می‌شد (ن.ک: همان: ۱۸۴).

و ناسزاواری دشمن را نه‌تنها در ستمگری که در بت‌پرستی او نیز می‌داند:

«اکنون آن بت‌پرستان که چنین به گذارن (کجاران)

چیره و زورآور شده و با پنج‌هزار سپاهی که به یگانگی از ناحیه به ناحیه بوم‌سند و کران دریا (به یاری او) آمده‌اند باید (کارزار کنیم).» (مشکور، ۱۳۶۹: ۱۹۱)

همچنان که پیروزی خود را از فره ایزدی می‌داند در جایی که دشمن (در اینجا هفتان‌بخت فرمانروای کرم) پیروز می‌گردد آن را به سبب یاری اهریمن به او می‌داند و او را لعنت می‌کند و به عنوان ناسزا به او «بت» می‌گوید در بخش هفتم از قول بُرزک و برزآذر می‌گوید:

«ایشان با پریشانی بسیار به اردشیر گفتند گجسته (ملعون) باد اهریمن دروند (کافر) که این بت را چنین چیره و پیروزمند کرده است که مردم همه نواحی را از دین اهورامزدا و امشاسپندان گمراه کرده است و بزرگ مرد خداوندی چون اردشیر با همگی سپاهش از دست آن کافر و بت‌پرست سر به ستوهی گردانده‌اند.» (مشکور، ۱۳۶۹: ۱۹۵)

و پس از سخن گفت از جنگ و مشورت برای پیروزی در آن از اردشیر دعوت کردند که دعا و عبادت کند (ن.ک: همان: ۱۹۶).

کمک‌های قدرت‌های فوق‌بشری تنها به اهریمن و اهورامزدا منحصر نمی‌شود. در جریان زهر خوراندن به اردشیر آذرفرنبغ (از موبدان و بزرگ‌زادگان) در هیئت خروسی سرخ وارد می‌شود و جام را می‌اندازد:

«اردشیر چون آن (شربت) بستند و می‌خواست خوردن چنین گویند که ورجاوند (مقدس) آذر فرنبغ پیروزگر به مانند خروس سرخ (درآمد) و اندر پرید و پر خویش به پست زد و آن جام با پست از دست به زمین افتاد» (همان: ۲۰۲).

و به این شیوه اردشیر از توطئه همسر خود با خبر می‌شود.

۳.۲. ستم‌ستیزی

در آنجا که اردشیر در حال مبارزه بود و قصد داشت به آذربایجان و ارمنستان لشکرکشی کند وقتی به او خبر رسید که هفتان‌بخت دارای، سپاهیانش را غارت کرده تصمیم گرفت مبارزه با دشمن را رها کند و ابتدا با دشمن داخلی (پارس) مبارزه کند:

«چون اردشیر ستم‌کاری و گناه‌کاری و پسران هفتان‌بخت را به سپاه خوش شنید اندیشید که نخست کار

«اکنون اینک اگر ترا اندکی هم مهر ما هست چاره ما بخواه و کین پدر و خویشاوندان و هم تخمکان فراموش مکن و این زهر (را) که با مردی بی‌گمان (مورد اعتماد) خویش نزد شما فرستادیم از این مرد بستانید و هرگاه که بتوانی پیش از خوراک به آن گنه‌کار مهردروغ دهی تا اندر زمان بمیرد... (همان).

۲.۶. بازگشت به خویشتن

آنجا که اردشیر با دیدن صحنه شکار و رهانیدن بچه گور توسط ماده گور با سپردن خود به مرگ، او را یاد فرزندش انداخت و پیشمانی عمیق بر او حاصل شد و به زاری گریه به بانگ بلند پرداخت آنچنان که همه را به تعجب واداشت می‌تواند مصداق بازگشت به خویشتن (بازگشت به فطرت) باشد (ن.ک: مشکور، ۱۳۶۹: ۲۰۵).

۲.۷. مقابله با دشمن تا پای جان

اردشیر در اغلب جنگ‌ها سختی‌های طاقت‌فرسا کشید. بارها شکست خورد و بیم هلاک می‌رفت اما مقاومت کرد و دوباره سپاه خود را سامان داد و از نو به مقابله برخاست. مثلاً در جنگ با کردان شاه مادی:

«پس از آن سپاه و لشکر بسیار از زایل فراهم کرد و به کارزار کردان شاه مادی رهسپار شد. بسی کارزار و خونریزی بود و سپاه اردشیر ستوهی پذیرفت. اردشیر از سپاه خویش نیازان و دل‌پیشان بود. اندر شب به بیابانی آمد که هیچ آب و خوراک اندر آن نبود و خود با سواران و ستوران همگی به گرسنگی و تشنگی افتادند.» (همان: ۱۸۹)

و یا در جنگ با هفتان‌بخت ابتدا شکست سختی خورد و چنان به سختی و قحطی افتادند که سربازان و ستوران خوراکی برای خوردن نداشتند. (ن.ک: همان: ۱۹۳)

در انتهای این جنگ تنها اردشیر زنده می‌ماند: «اردشیر خود به تنهایی به دریا افتاد.» (همان: ۱۹۴)

۲.۸. وفاداری و تکریم وفاداری

برزک و برزآذر از کسانی هستند که به اردشیر اعلام وفاداری و در هنگام شکست به او کمک فراوان می‌کنند:

«ایشان به پاسخ گفتند که ما (را اگر) تن و جان و دارایی

پارسان باید ویراست و از دشمنان بی‌بیم بود و سپس به شهر دیگر پرداخت.» (همان: ۱۹۱)

۲.۴. توصیف اهانت و تحقیر دشمن

ابتد سپاه کرم به اردشیر شیخون زد و اردشیر شکست خورد و تعداد زیادی از آنها کشته شدند و تعدادی از افراد سپاه را برهنه کرد و برای تحقیر به سوی اردشیر فرستاد، اردشیر از این تحقیر بسیار ناراحت شد (زیر بار تحقیر نرفت) از همه‌جا سپاه جمع کرد و خودش با این سپاه عظیم به کارزار رفت (ن.ک: مشکور، ۱۳۶۹: ۱۹۲)

۲.۵. سرزنش وطن‌فروشان

اردشیر پس از شکست اردوان، دختر وی را به همسری درآورد. دو پسر اردوان اسیر شدند، دو دیگر که به کابل گریختند به خواهرشان نامه نوشتند و او را سرزنش کردند که تو خودت از مرگ رستی و این حادثه را فراموش کردی و با دشمن سازش کردی. علاوه بر سرزنش او را تحقیر کردند: «ایشان به خواهر خویش که زن اردشیر بود نامه نوشته پیام فرستادند که راست است که شما زنان را راز نگویند که چون خود از مرگ رستی مرگ خویشان و خویش‌نامان (هم‌تخمکان) که این گناهکار دشمن یزدان ناسزاوارانه بکشت فراموش کردی. و تو مهر و عشق به برادران مستمندی که به آزار و سختی و بیم و سهم و بی‌آزرمی به آوارگی به شهر بت‌پرستان و کابلیان گرفتارند و آن دو برادر بدبخت تو که این مهر دروغ به بند زندان پادافراه (کیفر) می‌دهد که مرگ (را) به آرزو همی‌خواهند تو همگی را از یاد بردی.» (همان: ۲۰۱).

«و تو منش با آن مهر دروغ (سست‌پیمان) راست بکردی و ترا هیچ تیمار و اندوه ما نیست» (همان: ۲۰۲).

و باز او را با ادبیات نفرت‌آمیز تحقیر می‌کنند: «مرده باد آنکس که پس از امروز در جهان به هیچ زن به کیهان گستاخ و بی‌گمان باشد» (همان).

و او را تحریک به انتقام و کین‌جویی می‌کنند و از او می‌خواهند برای اینکه نامش جاودانه ماند و تهمت بی‌اعتمادی و بی‌وفایی از زنان برداشته شود به اردشیر زهر دهد:

نو ادامه یافت و برای یکپارچه کردن ایران (ایران‌شهر) و به انقیاد درآوردن حکومت‌های محلی تقریباً تا پایان عمر اردشیر ادامه پیدا کرد. آن قدر که در اواخر عمر هنگامی که در شرف ناامیدی است از اخترشماران و پیشگویان می‌خواهد که بگویند آیا این امر محقق می‌شود و می‌تواند ایران‌شهر را تحت لوای یک پادشاهی درآورد:

«پس از آن اردشیر ناحیه به ناحیه رفته و بسیار کارزار و کشتار با سرخدایان ایران‌شهر کرد. و همواره چون ناحیه‌ای را خوب (و آرام) می‌کرد و دیگر ناحیه نیز به بازسری و نافرمانبرداری می‌ایستاد. (اردشیر) برای آن کار مالی بسیار از دست داد و اندیشناک بود که مگر از پروردگار در سرنوشت من نیست که ایران‌شهر را به یک پادشاهی بشاید سامان دادن. پس اندیشید که از دانایان و فرزندان کیدان کید (شاه شاهان) کنوشکان (قنوج) بیاید پرسید اگر چنانچه پادشاهی ایران‌شهر از دست ما مقدر نباشد خرسند و بالستان (به فراغ بال) این کارزار خون‌ریزانه را هشته و خویشان را از این رنج هنگام آسوده کنیم.» (مشکور، ۱۳۶۹: ۲۰۸)

۳. نتیجه‌گیری

از آنجاکه کارنامه اردشیر بابکان از متون حماسی و روایت جنگ‌ها و ستیزها با ریشه تاریخی انتقال حکومت از اشکانیان به ساسانیان است قابلیت بررسی از منظر بررسی شکل‌گیری زمینه‌های ادبیات پایداری را داراست که در این پژوهش به آن پرداخته شد. نتیجه آن که از میان انگیزه‌ها و عوامل موجد ادبیات پایداری مواردی یافته شد که متناسب با افکار و اندیشه‌ها و شرایط زیست تاریخی و تکاملی انسان عصر باستان است از جمله: ۱. مقابله با دروغ و ستمگری و بیدادگری، ۲. تکیه بر دین و باورهای مذهبی و کمک‌های ماورایی، ۳. ستم‌ستیزی، ۴. توصیف اهانت و تحقیر دشمن ۵. سرزنش وطن‌فروشان، ۶. بازگشت به خویشتن، ۷. مقابله با دشمن تا پای جان، ۸. وفاداری و تکریم وفاداری، ۹. رازداری و حفظ اسرار نظامی، ۱۰. جنگ و مبارزه، ۱۱. رسیدن به هویت ملی.

با این حال می‌توان گفت انگیزه‌های مذهبی اصلی‌ترین زمینه شکل‌گیری ادبیات پایداری در این اثر است زیرا در

و خواسته و زن و فرزند (به پیشگاه) شما خدایگان کشور ایران باید بسپاریم می‌سپاریم.» (همان: ۱۹۶)

اردشیر نیز برای تجلیل و قدرشناسی به آنان پاداش می‌دهد و سرداری و کدخدایی به آنان می‌سپارد:

«برزک و برزآذر را بهره‌ای و پاداشی بزرگ و به آیین جان‌سپاران بخشید و در آن جا روستایی به سرداری و کدخدایی به ایشان داد.» (مشکور، ۱۳۶۹: ۲۰۰)

۲. ۹. رازداری و حفظ اسرار نظامی

هنگامی که اردشیر به برزک و برزآذر پناه برد ابتدا به آنها نگفت کیست و وانمود کرد از سپاهیان اردشیر است وقتی نسبت به وفاداری آن دو معتمد شد خود را معرفی کرد و از آنها مشورت خواست:

«اردشیر به نیکی و دین دوستی و یگانگی آنها بی‌گمان شد و راز خویش به برزک و برزآذر داد (آشکار ساخت) و گفت که من خود اردشیرم...» (همان: ۱۹۶).

۲. ۱۰. جنگ و مبارزه

از مهم‌ترین علل شکل‌گیری ادبیات پایداری در این اثر، مبارزات است، قسمت اعظم بخش ۶ کتاب توصیف جنگ است:

«سپاه کرم به دژ بودند همگی بیرون آمده با سواران اردشیر کوشش و کارزاری سخت جان‌سپارانه کردند و از دو کشته (سو) بسیار کشته شدند...» (همان: ۱۹۱).

«اردشیر دست به سپر و شمشیر زد و ضرب و کشتاری گران در آن دژ کرد و فرمود که آتش کنید تا دود آن به سواران پدیدار شود...» (همان: ۱۹۹).

«اردشیر چهار هزار مرد آراست و بر ایشان تاختن آورد و شبیخون زد» (همان: ۱۹۰).

در بخش هشتم نیز چگونگی چیره‌شدن اردشیر بر هفتان‌بخت حاکم کرم (حبله و مبارزه) توصیف شده است (ن.ک: همان: ۱۹۹-۲۰۰).

۲. ۱۱. رسیدن به هویت ملی

جنگ‌های اردشیر به روایت این کتاب ابتدا با انگیزه فرار از ستم و تحقیر اردوان شروع شد برای پایه‌گذاری پادشاهی

میان عوامل فوق‌الذکر، جنگ‌ها بیشترین سهم را داشتند
قاعده این عوامل بر هویت دینی و ملی، ستم‌ستیزی و
سلحشوری است. زیرا هدف از جنگ‌ها و مبارزه‌ها به گفته
خود اردشیر برای یکپارچه کردن سرزمین ایران آن هم

پی‌نوشت‌ها

۱. نویسنده، روزنامه‌نگار و از اعضای رهبری جبهه مردمی برای آزادی فلسطین و یکی از تأثیرگذارترین روشنفکران فلسطین. فیلم بازمانده اثر سیف‌الله داد با اقتباس از داستان کوتاه «بازگشت به حیفا» غسان کنفانی ساخته شده است.
۲. این کتاب در سه فصل نگاشته شده است. فصل نخست به ادبیات مقاومت پس از فاجعه اشغال می‌پردازد. در فصل دوم قهرمان عرب در رمان صهیونیسم بررسی شده و بالاخره در فصل سوم کتاب نمونه‌هایی از شعر مقاومت فلسطین آورده شده که به ترتیب عبارتند از اشعار: توفیق زیاد، محمود درویش، سمیع القاسم، سالم جبران و در پایان نیز اشعاری به صورت پراکنده آورده شده است.
۳. گویش آن در فارسی میانه کارنامکی آرتخشیری بابکان *kārnāmag ī Ardaxšīr ī Pābagān*
۴. مبارزه با اهریمن و بت‌پرستی و مؤید بودن به هورمزد و فره ایزدی.

فهرست منابع

- ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۴)، *شکوه شقایق: نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس*، قم: انتشارات سماءقلم.
- ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۹)، *آشنایی با ادبیات مقاومت جهان*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳)، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- سنگری، محمدرضا (۱۴۰۳)، *ادبیات پایداری، تعاریف، گونه‌ها گستره‌ها*، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شکری، غالی (۱۳۶۱)، *ادب مقاومت*، ترجمه محمدحسین روحانی، چاپ اول، تهران: نشر نو.
- شیرشاهی، افسانه (۱۳۹۰)، *شعر مقاومت و دفاع مقدس*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۹)، *کارنامه اردشیر بابکان*، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب.
- مقاله‌ها.
- امیری خراسانی، احمد و احسانی، عبدالحمید (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های پایداری در اشعار فارسی علامه اقبال لاهوری» *مجله ادبیات پایداری*، شماره ۱۱، ۱-۲۴.
- امینی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «مقایسه کارنامه اردشیر بابکان و افسانه‌های کتاب منتسب به بارسوما بر اساس گزارش موسی خورنی»، *مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۲۱، صص ۳۱-۵۴.
- جلیلیان، شهرام (۱۳۹۷)، «اردشیر بابکان و خدایان آن‌ها»، *مجله تاریخ اسلام و ایران (علوم انسانی)*، ۲۸ (۳۷ (پیاپی ۱۲۷))، ۳۵-۵۶.
- جهانگرد فرانک، ۱۳۹۵، تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران، *مجله ادبیات پایداری دانشگاه کرمان*، شماره هشتم، سال چهاردهم، ۶۱ تا ۷۷.
- چهرقانی، رضا (۱۳۹۶)، «ادبیات پایداری در ایران بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها»، *مجله ادبیات پارسی معاصر*، جلد ۷، دوره ۲، ۱-۳۳.
- راشدمحصل، محمدتقی و موسوی، سیده فاطمه (۱۳۸۹)، «بررسی عناصر داستانی در متن پهلوی کارنامه اردشیر بابکان»، *مجله کهن نامه ادب پارسی*، ۱ (۱ (پیاپی ۱))، ۱-۲۴.
- صرفی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «گستره ادبیات پایداری»، *مجله ادبیات پایداری*، شماره دهم، ۲۰۷-۲۳۷.
- طاهری خسروشاهی، محمد (۱۳۹۰)، «ادبیات پایداری در شعر دوره قاجار»، *مجله مطالعات ملی*، سال ۱۲، دوره ۲، شماره ۴۶، ۱۳۳-۱۵۶.
- طاهری، معصومه و کافی، غلامرضا (۱۳۹۵)، «مؤلفه‌های پایداری در شاهنامه فردوسی»، *همایش بین‌المللی شرق‌شناسی و مطالعات ایرانی* علیگر هند.
- کافی، غلامرضا (۱۴۰۰)، «پیشنهادهای برای رج‌بندی گروه-مؤلفه‌های ادبیات پایداری»، *مجله ادبیات پایداری*، سال سیزدهم، شماره

۲۴، ۱۳۷ - ۱۶۷.

کافی، غلامرضا (۱۳۸۸) «ویژگیهای مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران و جهان»، نامه پایداری.

مقاله همایش.

اطمینانی، عباس (۱۳۸۴). «بررسی کارکردهای زبان شاعران انقلاب اسلامی»، نامه پایداری مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری، کرمان: نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. ۳۱-۳۸.

ذبیح نیاعمران، آسیه، و یگانه مهر، حسین (۱۳۹۲)، مؤلفه پایداری و بیداری در قیام «کاوه» آهنگر، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، <https://sid.ir/paper/856289/fa>

زارع، زینب، و آفاحسینی، حسین (۱۳۹۴)، تحلیل ساختار طرح داستان اردشیر بابکان، همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. <https://sid.ir/paper/849257/fa>

